

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱/۲۲

تاریخ تصویب مقاله: ۹۷/۱۲/۵

اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق

عابد مهدوی*، علیرضا گلستانی**، مریم آقائی***، گیتی همتی راد****، منصوره حاج
حسینی*****، مسعود غلامعلی لواسانی*****، شهربانو سپهر یگانه***** و
فاطمه سادات قربانی نیا*****

چکیده

طلاق والدین به منزله از بین رفتن چتر امنیتی کودکان به شمار می‌رود که می‌تواند بر سلامت روانی و اجتماعی آنها تاثیر بسزایی بگذارد. هدف این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق در شهر تهران بود که به شیوه نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل صورت گرفت. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کودکان طلاق مناطق ۱۰ و ۱۱ تهران در سال ۹۶ بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۶۰ نفر (پسر) در نظر گرفته شد که به صورت تصادفی ۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل گمارده شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد سازگاری اجتماعی کالیفرنیا (فرم کوتاه ۹۰ سوالی) و پرسشنامه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی (۴۷ سوالی) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس

* دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Abed_mahdavi@yahoo.com

** استادیار مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور بوشهر، بوشهر، ایران.

*** دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

**** دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، واحد کرج، ایران.

***** استادیار روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

***** دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

***** دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، ایران.

***** دکتری روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران.

یک راهه استفاده گردید. مداخله درمانی برای گروه آزمایش به مدت ۵ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله موجب افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی در کودکان طلاق شده است.

واژگان کلیدی: مهارت حل مسئله، سازگاری اجتماعی، راهبردهای خودتنظیمی، کودکان طلاق.

مقدمه

خانواده کوچکترین واحد اجتماعی است ثبات یا ناپایداریش بر اعضای خانواده و جامعه اثر می‌گذارد و فروپاشی این واحد کوچک گاه چنان تاثیر عمیقی بر کودکان دارد که باورکردنی نیست. گذشته از اثراتی که طلاق بر زوجین می‌گذارد در مواردی که زوجین دارای کودکانی هستند، اثرات آن گریبان آنها را نیز می‌گیرد، حتی می‌توان گفت کودکان از این پدیده بیشترین ضربه را متحمل می‌شوند. نسبت بزه‌کاری در خانواده‌های متلاشی شده خیلی بیشتر از خانواده‌های بادوام است و بی‌سرپرستی در کودکان، موجب عقده‌های روانی در آنان می‌شود. امروزه شاخص آمار طلاق بسیار قابل توجه است به طوری که براساس آمار سازمان ثبت احوال از ۵,۵ ازدواج، یک ازدواج به طلاق می‌انجامد و این رقم در تهران وضعیت بدتری را نشان می‌دهد، به طوری که در تهران از هر ۲,۹ ازدواج، یک مورد به طلاق می‌انجامد. براین اساس، آمارها نشان دهنده نرخ بالای طلاق و به دنبال آن ازدیاد کودکان طلاق است (یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴). طلاق به هر دلیل، درست یا نادرست، برای افراد خانواده و جامعه، و نیز زوجین مطلقه مشکلات اقتصادی، روانی، عاطفی و اجتماعی ناگواری به دنبال دارد و آنها را به انزوا می‌کشاند. تاثیر طلاق بر کودکان به مراتب پیچیده‌تر و مخرب‌تر است. فرزند تک والد، ناخواسته درگیر تعارض‌هایی می‌گردد که توان درک آن و تاب کنارآمدن با آنها را ندارد. کودکان حاصل از چنین ازدواج‌هایی علاوه بر اینکه نیازهای ویژه‌ای دارند در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی فراوانی قرار می‌گیرند. به طوری که یکی از پیامدهای طلاق در جوامع امروز، افزایش میزان و نوع رفتارهای انحرافی است. طلاق از مهم‌ترین و بدخیم‌ترین آسیب‌ها و

معضلات خانواده‌های جوامع صنعتی و یا در حال گذار مانند ایران است. باید توجه داشت که یکی از عوامل موثر در بزه‌کاری نوجوانان نابسامانی خانواده است (شکر بیگی، ۱۳۸۵). یکی از متغیرهایی که لازم است در مورد کودکان طلاق کانون توجه قرار گیرد و در مراکز تربیتی و خانواده‌ها به عنوان یک اصل مهم در فرایند اجتماعی شدن نگریسته شود، سازگاری اجتماعی است. ما در دنیای پیچیده و دشواری زندگی می‌کنیم و لازم است برای موفقیت و پیشرفت در این دنیا و مقابله موثر با مشکلاتی که رو در روی ما قرار می‌گیرند، مجموعه‌ای از مهارت‌های اجتماعی را بدست آوریم. یکی از ویژگی‌های مهارت‌های اجتماعی اکتسابی بودن آنهاست و در حال حاضر بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که بیشتر رفتارهای اجتماعی آموختنی است. برای سازگاری اجتماعی تعاریف زیادی ارائه شده است، به طوری که آن را مترادف با مهارت اجتماعی توصیف نموده‌اند و آن عبارت است از توانایی برقراری ارتباط متقابل با دیگران به طریقی خاص که در عرف جامعه قابل قبول باشد (خدایاری فر، ۲۰۱۰). سازگاری اجتماعی، مهمترین جنبه رشد اجتماعی هر فرد محسوب می‌شود که در تعامل با دیگران، موفقیت شغلی و تحصیلی شخص تاثیر بسزایی دارد (بصیر شبستری و همکاران، ۱۳۹۲). متغیر دیگری که در ارتباط با کودکان طلاق حائز اهمیت است، راهبردهای خودتنظیمی است. خودتنظیمی یکی از مقوله‌هایی است که به نقش فرد در جریان یادگیری توجه دارد. اصل اساسی یادگیری خودتنظیمی این است که افراد هنگامی که خود مسئول یادگیری‌شان هستند، به طور موثرتری یاد می‌گیرند (کوپر^۱، ۲۰۰۲). براساس نظر پینتریچ خودتنظیمی به استفاده بهینه از راهبردهای شناختی، فراشناختی و مدیریت منابع جهت پیشینه کردن یادگیری گفته می‌شود. استفاده از استراتژی‌های خودتنظیمی ممکن است انگیزش درونی لازم را به وجود آورده یا چارچوبی برای کمک به یادگیرنده برای توسعه توانایی وی فراهم می‌کند (پینتریچ^۲، ۲۰۰۴). همچنین یکی از مهارت‌های اجتماعی که نقش مهمی در سازگاری اجتماعی و یادگیری راهبردهای خودتنظیمی دارد، مهارت حل مسئله است. مهارت‌های حل مسئله به

1. Kuiper

2. Pintrich

عنوان مهارتی حیاتی برای زندگی در عصر حاضر توجه متخصصان را به خود جلب کرده است. آموزش مهارت حل مسئله اشاره به یک فرایند شناختی- رفتاری دارد که تنوعی از پاسخ‌های بدیل و بالقوه را برای مقابله با شرایط مشکل ساز فراهم می‌کند و امکان انتخاب بهترین و موثرترین پاسخ‌های بدیل و بالقوه را افزایش می‌دهد (گلیس و کنالی^۱، ۲۰۰۸). در حل مسئله پیدا کردن راه حل بخصوصی برای یک مسئله ویژه، مد نظر نیست. مهم آن است که در اثر حل مسئله، یک اصل یا قانون انتزاعی به دست آید که برای موقعیت‌های دیگر قابل تعمیم باشد. به همین سبب است که یادگیری به دست آمده از حل مسئله، از سایر یادگیری‌ها انتقال‌پذیری بیشتری به موقعیت‌های جدید دارد (خوشکام، ملک پور و مولوی، ۱۳۸۷). بنابراین از آنجا که هدف تعلیم و تربیت به طور اعم، یادگیری است و هر عاملی که تحقق یافتن این هدف را میسر سازد، باید مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، بررسی ادبیات نظری نشان داد که سازگاری اجتماعی و خودتنظیمی از مولفه‌های شناختی- رفتاری هستند که می‌توانند منجر به انطباق بیشتر و بهبود عملکرد خودنظم‌دهی در زندگی روزمره افراد شوند. همچنین با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای با این عنوان مورد بررسی قرار نگرفته است محققین در پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال هستند که آیا آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق موثر است؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر به شیوه نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی کودکان طلاق مناطق ۱۰ و ۱۱ تهران در سال ۹۶ بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌ای به تعداد ۶۰ نفر (پسر) در نظر گرفته شد که به صورت تصادفی ۳۰ نفر در گروه آزمایش و ۳۰ نفر در گروه کنترل گمارده شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد شده سازگاری اجتماعی فرم کوتاه (۹۰ سوالی) و پرسشنامه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی (۴۷ سوالی) استفاده شد. در

^۱. Gellis & Kenaley

این پژوهش برای برآورد پایایی پرسشنامه سازگاری اجتماعی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی از روش دو نیمه کردن با روش اسپیرمن و ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب پایایی آنها به ترتیب ۰/۸۵۹ و ۰/۸۳۷ بدست آمد که به لحاظ آماری قابل تایید است. بعد از گردآوری داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس یک راه استفاده گردید. برای اجرای پژوهش از بین مناطق مذکور نمونه پژوهشی انتخاب شدند. با اعضای گروه راجع به اهداف اجرای طرح صحبت کردیم و رضایت‌شان جهت همکاری جلب شد. بعد از اجرای پیش‌آزمون برای هر دو گروه، گروه آزمایش به مدت ۵ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای توسط محققین در معرض متغیر مستقل قرار گرفتند. بعد از اتمام مرحله مداخله‌ای، پس‌آزمون برای هر دو گروه با استفاده از همان پرسشنامه‌ها اجرا گردید.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسشنامه استاندارد شده سازگاری اجتماعی کالیفرنیا: این پرسشنامه توسط ثورپ، کلارک و تیکز در سال (۱۹۳۹)، به نقل از خدایاری فرد و همکاران، (۲۰۰۲) برای اولین بار منتشر شد و در سال (۱۹۵۳) مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این فرم آزمون، نیمرخ اجتماعی فرد را اندازه‌گیری می‌کند. نمره سازگاری اجتماعی کلی از نمره‌های مقیاس فرعی بدست می‌آید (توزنده جانی و همکاران، ۲۰۰۷). هماهنگی درونی آزمون به وسیله دو نیمه کردن با روش اسپیرمن برای خرده آزمون‌های سازگاری اجتماعی از ($\alpha: 0/87$) تا ($\alpha: 0/90$) گزارش شده است که نشان می‌دهد تمام سوالات شش زیر مقیاس از انسجام درونی مناسبی برخوردارند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۱). اعتبار و پایایی برای مقیاس سازگاری شخصی در حدود ۰/۸۹ تا ۰/۹۱ و برای مقیاس سازگاری اجتماعی در حدود ۰/۸۷ تا ۰/۹۱ گزارش شده است. این ضرایب برای مقیاس‌های فرعی آزمون در دامنه ۰/۶۰ تا ۰/۸۷ و برای کل آزمون ۰/۹۲ تا ۰/۹۳ قرار دارد (توزنده جانی و همکاران، ۲۰۰۷).

ب) پرسشنامه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی: این پرسشنامه توسط پینتریش و دی گروت^۱ (۱۹۹۰) ساخته شده است. این پرسشنامه با ۴۷ عبارت در دو بخش باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی تنظیم شده است. خرده مقیاس راهبردهای یادگیری خودتنظیمی شامل ۲۲ عبارت بوده و سه وجه از خودتنظیمی (راهبردهای شناختی، فراشناختی و مدیریت منابع) را می‌سنجد که در این پژوهش فقط سوالات خودتنظیمی مورد استفاده قرار گرفت. نمره گذاری پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای لیکرت بوده و بالاترین نمره ۱۱۰ و پایین‌ترین نمره ۲۲ است. پینتریش و دی گروت (۱۹۹۰) در بررسی روایی آن با استفاده از روش تحلیل برای مقیاس باورهای انگیزشی سه عامل خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی و اضطراب امتحان و برای مقیاس راهبردهای یادگیری خودتنظیمی سه عامل استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی و مدیریت منابع را بدست آوردند و ضرایب پایایی خرده مقیاس‌های خودکارآمدی، ارزش‌گذاری درونی، اضطراب امتحان و استفاده از راهبردهای شناختی و فراشناختی را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۷، ۰/۷۵، ۰/۸۳، ۰/۷۴ تعیین کردند. البرزی و ساسانی (۱۳۸۷) ضریب پایایی این پرسشنامه را ۰/۷۶ گزارش کردند.

جدول (۱): برنامه آموزش مهارت حل مسئله براساس الگوی پنج مرحله ای دیکسون و گلوور (به نقل از حیدری و رسول زاده طباطبایی، ۱۳۸۶)

جلسه (۱): تعریف مسئله شامل شروع، دعوت به صحبت آزاد، دسته‌بندی موضوعها و پیگیری مشکل.

جلسه (۲): تعیین هدف شامل پرسش‌های مستقیم، پرداختن به ناهمخوانی‌ها و تعیین اهداف.

جلسه (۳): انتخاب راهبرد شامل پیش بینی موقعیت‌ها، سرمشوق‌دهی، و ایفای نقش.

جلسه (۴): اجرای راهبرد شامل واقعه نویسی، آگاهی و آرمیدگی افکار و تصویرسازی ذهنی.

^۱ Pintrich & DeGroot

جلسه (۵): ورسی شامل ارزیابی نتایج، جمع‌بندی و تعمیم.

یافته‌ها

برای بررسی متغیرهای پژوهش در کودکان طلاق شهر تهران در گروه آزمایش و کنترل از شاخص‌های توصیفی به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون که در جدول شماره (۲) آمده، استفاده شد.

جدول (۲): آماره‌های توصیفی مربوط به سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه	متغیر	تعداد	سازگاری اجتماعی		راهبردهای خودتنظیمی	
			میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
آزمایش	پیش‌آزمون	۳۰	۳۸/۱۱	۷/۵۶	۵۷/۸۵	۸/۱۸
	پس‌آزمون		۴۷/۰۹	۶/۴۹	۶۸/۴۱	۱۰/۹۶
کنترل	پیش‌آزمون	۳۰	۳۹/۱۴	۷/۹۱	۵۴/۱۱	۷/۸۵
	پس‌آزمون		۴۰/۰۶	۷/۶۳	۵۳/۰۹	۷/۶۸

همانطور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون لون جهت بررسی همسانی واریانس‌ها آورده شده است. براساس نتایج این جدول، تجانس واریانس‌های دو گروه در سطح ($\alpha: 0/05$) برقرار است با توجه به برقراری مفروضه‌های تحلیل کوواریانس می‌توان از تحلیل کوواریانس جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش استفاده کرد.

جدول (۳): نتیجه آزمون لون جهت بررسی همسانی واریانس‌ها

متغیر	آماره (F)	درجه آزادی (Df1)	درجه آزادی (Df2)	سطح معناداری (Sig)
سازگاری اجتماعی	۳/۷۹	۱	۵۸	۰/۰۶۲
راهبردهای خودتنظیمی	۲/۱۴	۱	۵۸	۰/۳۸۴

❖ فرضیه (۱): آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی کودکان طلاق شهر تهران موثر است.

نتایج حاصل از اجرای تحلیل کوواریانس که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود حاکی از معنی‌دار بودن اثر آموزش مهارت حل مسئله بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق است ($F= ۹/۷۹۸, P= ۰/۰۰۳$). نتایج بدست آمده نشان می‌دهد میزان تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر سازگاری اجتماعی کودکان طلاق معنی‌دار است. عبارت دیگر آموزش مهارت حل مسئله باعث افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان طلاق شده، اما در گروه کنترل هیچ تغییری ایجاد نکرده است و لذا فرضیه پژوهش تایید می‌گردد.

فرضیه (۲): آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق شهر تهران موثر است.

نتایج حاصل از اجرای تحلیل کوواریانس که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود حاکی از معنی‌دار بودن اثر آموزش مهارت حل مسئله بر راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق است ($F= ۳۵/۱۳, P= ۰/۰۰۱$). نتایج بدست آمده نشان می‌دهد میزان تاثیر آموزش مهارت حل مسئله بر راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق معنی‌دار است. عبارت دیگر آموزش مهارت حل مسئله باعث افزایش راهبردهای خودتنظیمی در کودکان طلاق شده، اما در گروه کنترل هیچ تغییری ایجاد نکرده است و لذا فرضیه پژوهش تایید می‌گردد.

جدول (۴): نتایج آزمون تحلیل کوواریانس سازگاری اجتماعی و راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره	سطح معناداری
پیش آزمون سازگاری اجتماعی	۹۷/۱۹۸	۱	۹۷/۱۹۸	۱/۹۸۹	۰/۱۶۹
گروه	۴۷۹/۲۷۶	۱	۴۷۹/۲۷۶	۹/۷۹۸	۰/۰۰۳
خطا	۲۷۷۹/۵۰۶	۵۷	۴۸/۷۵۶		
کل	۱۱۵۲۸۲	۶۰			
پیش آزمون راهبردهای خودتنظیمی	۴۶۸/۲۰۱	۱	۴۶۸/۲۰۱	۶/۹۸	۰/۰۱
گروه	۲۲۰۵/۲۱	۱	۲۲۰۵/۲۱	۳۵/۱۳	۰/۰۰۱
خطا	۴۳۵۶/۵۱	۵۷	۷۸/۴۴		
کل	۲۳۵۳۸۱/۰۶	۶۰			

بحث و نتیجه گیری

آثار و عوارضی که طلاق برای کودکان طلاق به همراه دارد، از آن جهت قابل اهمیت است که می‌تواند زمینه بروز بسیاری از اختلالات رفتاری، روحی و روانی در آنان باشد و زندگی فردی و اجتماعی آتی آنان را به مخاطره اندازد. بروز افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و عصیان، حسادت، سوءظن و بدبینی نسبت به دیگران، فرار از منزل، ترک تحصیل و افت تحصیل، بزهکاری و کجروی‌های اجتماعی، ازدواج زودرس، ضعف اعتماد بنفس، اختلال هویت، اعتیاد، فقر، ضعف سلامت جسمی و روانی، احساس درماندگی و سرخورده‌گی، تجربه احساس حقارت ناشی از عدم دسترسی به محیط امن و عاطفی خانودگی از جمله پیامدهای مخرب و ناخوشایند طلاق در کودکان و نوجوانان است. علاوه بر این، پیامدهای ناشی از طلاق می‌تواند اجتماع را تحت تاثیر قرار داده و تبعات گسترده‌ای از جمله تکدی‌گری، اعتیاد، قاچاق و فساد اخلاقی را در جامعه به همراه داشته باشد. بنابراین، مهم است که برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در این طیف از کودکان و افزایش سازگاری اجتماعی و همچنین کمک به آنها در جهت خودتنظیمی رفتاری در زندگی روزمره، مهارت‌های لازم را به منظور برخورد شایسته و کارآمد با مسائل و مشکلات پیش رو آموزش داد تا بتوانند زندگی موفق و تجربیات مسرت‌آمیزی داشته باشند. با توجه به یافته‌های مندرج در جداول این پژوهش به بررسی و تبیین فرضیه‌ها می‌پردازیم:

فرضیه اول پژوهش نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل باعث افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان طلاق شده است. به عبارت دیگر، آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش سازگاری اجتماعی کودکان طلاق موثر است. نتایج این پژوهش با یافته‌های حاتمی فرد، کافی و خوش روش (۱۳۹۰)، کریمیان، نکونام، مهری و احمدپناه (۱۳۹۴)، دریر^۱ و همکاران (۲۰۰۵) و بارکر^۲ (۲۰۰۲) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت سازگاری اجتماعی می‌تواند یک عامل موثر از راهبردهای

1. Dreer

2. Barker

شناختی باشد که می‌توان آن را به دیدگاه‌های شناختی موجود در این زمینه مرتبط داد، هسته اصلی دیدگاه‌های شناختی درباره اختلالات روانی (ناسازگاری)، چگونگی پردازش اطلاعات در ذهن فرد است. اگر نظام باورهای فرد کارآمد باشد، اطلاعات به گونه‌ای دقیق در ذهن او پردازش می‌شوند که نتیجه آن رفتار مطلوب است، اما اگر در پردازش‌ها و ادراک‌های فرد مشکلی وجود داشته باشد نتیجه‌ای بجز هیجان ناخوشایند و رفتار مخرب نخواهد داشت. امروزه دیدگاه شناختی درباره تبیین رفتار کودکان نیز به کار می‌رود و بسیاری از شناخت‌درمانگران بر این باورند که پردازش‌های شناختی ناکارآمد در کودکان باعث بروز رفتارهای ناسازگارانه می‌شوند (رنکی، داتیلیو و فریمن^۱، ۱۹۹۵). با این وجود، اسلامی نسب (۲۰۰۱) نیز بر این باور است که سازگاری اجتماعی، به فرد امکان می‌دهد تا انگیزه‌های خود را در محیط ارضا نماید و یا به عبارت دیگر بتواند بین خود و محیط اجتماعی رابطه سالم برقرار نماید.

فرضیه دوم پژوهش نشان داد که آموزش مهارت حل مسئله در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل باعث افزایش راهبردهای خودتنظیمی در کودکان طلاق شده است. به عبارت دیگر، آموزش مهارت حل مسئله بر افزایش راهبردهای خودتنظیمی کودکان طلاق موثر است. این فرضیه با نتایج پژوهش‌های سانگر و تکایا^۲ (۲۰۰۶) هیکیلا و لونکا^۳ (۲۰۰۶)، مرادی و نقی اقدسی (۱۳۹۴) و زراعت و غفوریان (۱۳۸۸) همسو است. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت حل مسئله، مهارت شناختی فوق‌العاده پیچیده‌ای است که در مقایسه با سایر فرایندهای شناختی نظیر زبان‌آموزی و تشکیل مفهوم، مستلزم سطوح بالاتری از پردازش اطلاعات است و معرف یکی از هوشمندانه‌ترین فعالیت‌های آدمی می‌باشد. بطوری که حل مسئله سبب می‌شود که توجه، ادراک، حافظه و سایر فرایندهای پردازش اطلاعات، به شیوه‌ای هماهنگ برای دستیابی به هدف برانگیخته شوند. از این رو حل مسئله حتی در مورد تکالیف و مساله‌هایی که ساختار روشن و تعریف شده‌ای دارند،

1. Reineche & Dattitlio & Freeman

2. Sungur & Tekkaya

3. Heikila & Lonka

به عنوان یکی از پیچیده‌ترین شکل‌های رفتار آدمی تلقی می‌شود (سانگر و تکایا، ۲۰۰۶). همچنین در آموزش مهارت حل مسئله، بیشتر به استراتژی‌های اکتشافی توجه شده است که از نظر لمپراچز که یک نظریه در ارتباط با فکر کردن است و به طور ضمنی به حل مسئله اشاره دارد، گرفته شده است. این استراتژی‌ها شامل کاهش و تسهیل موقعیت مسئله، قابلیت برگشت پذیری مسئله، توجه به جوانب مختلف و جنبه‌های ثابت مسئله و ... است. بنابراین این ویژگی‌های مهارت حل مسئله باعث افزایش یادگیری خودتنظیمی می‌شود.

منابع

۱. البرزی، شهلا؛ سامانی، سیامک (۱۳۷۸). بررسی و مقایسه باورهای انگیزشی و راهبردهای خودتنظیمی برای یادگیری در میان دانش آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱(۱۵)، ص ۱۲-۳.
۲. حاتمی فرد، سیروس؛ کافی، سید موسی؛ خوش روش، وحید (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی آنان. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی*، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۹۰، ص ۸۳-۶۷.
۳. حیدری، شیما؛ رسول زاده طباطبایی، کاظم (۱۳۸۶). بررسی تاثیر آموزش مهارت های حل مسئله در کاهش تمایل به فرار دختران نوجوان در معرض فرار. *فصلنامه خانواده پژوهشی* ۱۰(۳)، ص ۵۸۳-۵۷۳.
۴. خوشکام، زهرا؛ ملک پور، مختار؛ مولوی، حسین (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش حل مساله گروهی بر مهارت های اجتماعی دانش آموزان با آسیب بینایی. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۸(۲): ص ۱۵۱-۱۴۱.
۵. زراعت، زهرا؛ غفوریان، علیرضا (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر خودپنداره تحصیلی دانشجویان. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۲(۱)، ص ۱۱-۷.
۶. شکریگی، عالییه (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین طلاق و بزهکاری. *فصلنامه جامعه شناسی*، شماره ۵، ۱۲۰-۹۱.
۷. مرادی، مینا؛ اقدسی، علی نقی (۱۳۹۴). بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی و مهارت های حل مسئله بر راهبردهای خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه ناحیه یک تبریز. *زن و مطالعات خانواده*، سال ۷، شماره ۲۸، ص ۱۴۴-۱۲۹.
۸. یحیی زاده، حسین؛ حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۴، ص ۱۲۰-۹۱.

9. Barker, S. (2002). *A prospective longitudinal investigation of social problem – solving appraisal on adjustment to university, stress,*

health and academic motivation and performance. Development of psychology, 35(1), 658-663.

10. Basir Shabestari, S., Shirinbak, I., Sefidi, F., Sherkat Dalir, H. (2013). *The relationship between social adaptation and educational achievement in qazvin dentistry students. The journal of instruction developing in medical sciences, 6(11), 1-10.*

11. Dreer, E., Elliot, R., Fletcher, C., Swanson, M. (2005). *Social problem solving abilities and psychological adjustment to persons in low vision rehabilitation. Rehabilitation Psychology, 89, 3, 232-238.*

12. Gellis, Z.D., Kenaley, B. (2008). *Problem-solving therapy for depression in adults: A systematic review. Research on social Work Practice, 18(2):117-131.*

13. Heikila, A., Lonka, K. (2006). *Studying in higher education: Students approaches to learning, self-regulation, and cognitive strategies. Studies in higher education. 31(1): 99-117.*

14. Islami Nasab, A. (2001). *Adaptive Psychology. Mashhad Nashr Bonyad. [In Persian]*

15. Khodayarfard, M. (2010). *Preparing measurement scales for spiritual attitudes in sharif university students [Dissertation]. Tehran: Sharif University Technology.*

16. Khodayarfard, M., Nasefat, M., Ghorbani Bonab, B., Shokuhi Yekta, M., & Behpajoo, A. (2002). *The related factors with social adaptation among devotee and non-devotees children in tehran. The final report of research for bonyad mostazafan, Tehran. [In Persian]*

17. Kuiper, R. (2002). *Enhancing metacognition through the reflective use of self-regulated learning strategies. Journal Contin Educ Nurs, 33(2): 78-87.*

18. Pintrich, P.R. (2004). *A conceptual framework for assessing motivation and self-regulated learning in Colledge students. Educational Psychology Review, 16(4):385-407.*

19. Pintrich, P.R., & DeGroot, E. (1990). *Motivational and self-regulated learning component of classroom academic performance. Journal of Educational Psychology, 82:33-40.*

20. Reineche, M., Dattilio, F., & Freeman, A. (1995). *Cognitive therapy with children and adolescents. New York: Gmilford press.*

21. Sungur, S., & Tekkaya, C. (2006). *Effects of problem-based learning and traditional instruction on self-regulated learning. The journal of educational research, 99:307-317.*

22. Touzandeh Jani, H., Sadighi, K., Najat, H., Kamalpour, N. (2007). *Proportional effectiveness of cognition- behavioral training of self - steam on students social adaptation. The journal of knowledge and research in educational sciences, 21(16), 41-56.*